

بهیافت منظر*

رویکرد نو در احیای نواحی دفن زباله

چکیده | عصر صنعت با خود فرهنگ مصرف‌گرایی را به همراه دارد که تنها با اتمام زندگی انسان‌ها در زمین به پایان می‌رسد. بشر امروزی به طور دائم کالا و فضا را مصرف می‌کند، دور می‌اندازد و سپس با عواقب نامطلوب که یکی از آنها ایجاد سایت‌های دفن زباله است مواجه می‌شود. نتیجه این رویارویی، تلاش برای احیای سایت‌های متروک، مهجور و مصرف شده‌ای است که جزئی از شهرها هستند. راه حل معمول و رایج برای پنهان کردن سایت‌های دفن زباله بدون احیای آنها قابل قبول نیست. احیای این سایت‌ها و رویارویی با آنها و آرایه راه‌حل‌هایی برای کاهش آسیب‌هایی که به موجب آلودگی‌های زیست‌محیطی و بصری آنها بر شهرها تحمیل می‌شود، در دهه‌های اخیر مورد توجه واقع شده است. «مفهوم بهیافت» مفهومی نوین در زمینه مصرف‌گرایی و محیط زیست است. این نوشتار ضمن شناخت ویژگی‌های سایت‌های دفن زباله و نخاله ، برخورد معماری منظر با این پدیده را بررسی و الگویی منظرین و متناسب با ماهیت و زمینه آن معرفی می‌کند. مفهوم بهیافت، جوهره هنر را عاملی می‌داند که باعث ارتقای کیفی کالاها و فضاهای مصرف شده می‌شود. در این میان معماری منظر به عنوان یک دیسپلین و به واسطه ارتباطی که با انواع هنر برقرار می‌کند، رویکردی متفاوت به احیای این سایت‌ها دارد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد رویکرد منظرین به احیای سایت‌های دفن زباله، علاوه بر در نظر گرفتن جنبه‌های زیست‌محیطی، بر جنبه‌های ذهنی تأکید دارد و می‌تواند با حفظ پیشینه، ویژگی‌های مفهومی این سایت‌ها را برجسته و با بهره‌گیری از تکنیک‌های هنری، مخاطب را در مورد مسایل زیست‌محیطی آگاه کند.

واژگان کلیدی | بهیافت^۱، لندفیل^۲، منظر، منظر اتلاف^۳، هنر.

سید امیر منصوری
استادیار دانشکده معماری،
پردیس هنرهای زیبا،
دانشگاه تهران

amansoor@ut.ac.ir

نقیسه سیده
کارشناس ارشد معماری
منظر، دانشگاه تهران

nafise.seyede@ut.ac.ir



تصویر ۱: رویکرد اصلی طراحی پارک المپیک لندن ۷ که بر فضولات سبز و نخاله‌های ساختمانی ساخته شده، کاشت اکولوژیکی پایدار و استفاده از گیاهان بومی و غیر بومی بوده است. لندن، انگلستان.
مأخذ: www.illusion.scene360.com

Pic1: The main approach in the design of London Olympic park built on construction waste is to apply the sustainable ecological planting and to use native and Non-native plants.

Source: www.illusion.scene360.com

تصویر ۱
Pic1

هستند که همواره با آنها خواهند ماند و حتی با تغییر کاربری آنها، از بین نخواهند رفت و معرف ویژگی‌های گذشته آنها خواهند بود. این سایت‌ها در دیدی نوستالژیک، بیان‌گر تاریخ تکامل و تمدن بشر شهرنشین هستند که احیای آنها علاوه بر تبدیلیشان به مناظری قابل استفاده و سودمند، بخشی از جریان‌ات و روش زندگی بشر را در دوره‌ای از تاریخ روایت خواهد کرد. پسماندها از بناهای معماری ارزشمند یا سایت‌های دفن زباله باعث قضاوت آیندگان خواهد شد. همین نکته اهمیت و ضرورت احیای چنین سایت‌هایی را با حفظ ویژگی‌های پیشین آنها روشن می‌کند. از طرفی اگر منظر را گفتمانی مترقیانه درباره جامعه و فرهنگ تصور کنیم، در این صورت مداخله بشر در طبیعت، خواه خوب، بد یا زشت، به عنوان منظر فرهنگی تلقی می‌شود (فرهمند، ۱۳۹۰). در نتیجه می‌توان لندفیل را رویه تاریک و اجتناب‌ناپذیر منظر فرهنگی بشر تلقی کرد که این قابلیت را دارد که منظر (فرهنگی) جدیدی برای آینده باشد. منظرها از یک عملکرد دیگر تغییر پیدا می‌کنند، رها و باز اشغال می‌شوند، اشکال جدیدی به خود می‌گیرند، به حالت اولیه خود بر می‌گردند و گاهی به طور غیر قابل بازگشت تغییر می‌کنند. زباله‌ها به طور متوالی روی هم جمع شده و جزئی از طبیعت زمین می‌شوند (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۲۴). این نوشتار با تکیه بر ماهیت پویای منظر، بر رسالت و وظیفه آن در زمینه احیای این سایت‌ها تأکید کرده و با بررسی ویژگی‌های معماری منظر در مواجهه با این مناظر، راهکارهایی را برای تبدیل آنها از فضاهایی ناخوشایند به مناظر مطلوب شهری معرفی می‌کند.

فرضیه | معماری منظر به عنوان واسطه‌ای بین هنر و احیای سایت‌های دفن زباله علاوه بر کاهش مخاطرات زیست محیطی ناشی از آنها، پیشینه این سایت‌ها را به عنوان بعد ذهنی و مفهومی برجسته کرده و اهمیت آن را نسبت به سایر رویکردهای موجود بیشتر می‌داند.

مفهوم بهیافت

برای درک هر پدیده، انتخاب واژگان مناسب برای اجزاء آن راهگشا خواهد بود. سایت‌های دفن زباله ضمن دارا بودن تعاریف و دستور زبان منحصر به فرد، نیازمند واژگان و ادبیات مختص خود هستند که به شناخت بهتر آنها کمک خواهند کرد. با شناسایی و معرفی این واژگان در کنار بررسی رویکردهای نوین برای احیای لندفیل‌ها، نتایجی حاصل می‌شود که الگوها و پارادایم‌های مربوط به طراحی آنها را مشخص می‌کند.

در روند مصرفی شدن جوامع، برنامه‌ریزان بیش از هر چیز به مفهوم بازیافت پرداخته‌اند. با مطالعه تعاریف موجود برای واژه «بازیافت» درمی‌یابیم، در این فرایند، پسماندهای بازیافت شده نسبت به مواد اولیه کیفیت و قیمت پایین‌تری دارند و از طرف دیگر، بازیافت، فرایندی است که در کارخانه‌های مخصوص و با صرف انرژی ممکن می‌شود. بنابراین چنین فرایندی مصالح را به چرخه‌هایی پایین‌تر از چرخه مصالح اولیه روانه می‌کند (امینی، ۱۳۹۲: ۸). نتیجه اینکه لفظ بازیافت برای اقداماتی چنین، صحیح به نظر نمی‌رسد. «ریتر پیلز»^۴ برای اولین بار با دغدغه‌ای مشابه، اقدام به معرفی واژگانی در این مورد کرده است. او چنین فرایندی را *downcycling* نامیده و لفظ *upcycling* را برای فرایندی به کار می‌برد که کالاهای مصرف شده و به عبارت دیگر دورریختنی‌ها در آن ارزش بالاتری پیدا می‌کنند (Kay, 1994: 14). برای چنین اقدامی کلمه «بهیافت» جایگزینی مناسب می‌نماید (امینی، ۱۳۹۲: ۱۰). مناظر اتلاف، نتیجه طبیعی فعالیت‌های مصرفی و رشد صنعتی و اقتصادی هستند، چراکه براساس قاعده طبیعت در رشد و تکامل جامعه، تولید پسماند اجتناب‌ناپذیر است (Berger, 2006). تولید زباله علاوه بر اجتناب‌ناپذیر بودن، در جامعه انسانی فرایندی مسری و یک ویژگی نهفته در تغییر و تحولات است که ما را با خود می‌برد

مقدمه | زمین متروکه اغلب به زمینی گفته می‌شود که دچار چنان آسیبی شده است که بدون اقدامات اصلاحی بیشتر قابل استفاده نباشد. این تعریف شامل زمین‌هایی نظیر محوطه کارخانه‌های متروکه می‌شود و زمین‌هایی را که صرفاً خطرناک هستند یا در اثر سوانح طبیعی غیر قابل استفاده باشند، دربر نمی‌گیرد. اگر زمینی، زمانی مفید بوده و سپس به واسطه فعالیت‌های انسانی، دیگر استفاده نداشته باشد، متروکه و رها شده تلقی می‌شود (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۱۹). طبق این تعریف سایت‌های دفن زباله به واسطه فعالیت‌های انسانی رخ داده در آن، متروکه و رها شده قلمداد می‌شوند. «اسپیرن»^۴ در کتاب «زبان منظر» از زمین‌های متروکه نظیر سایت‌های دفن زباله (لندفیل‌ها) و یا معادن مورد بهره‌برداری قرار گرفته با عنوان «مناظر اتلاف» یاد می‌کند. تغییر آبگیر بوستون (Boston) و ریوری (Rivory) از ضایعات شهری به حیات وحش و منظر وریبی (Werrabee) در ملبورن استرالیا که منظری از ضایعات بوده و توسط مهندسی و اکولوژیست‌های حیات وحش برای تصفیه فاضلاب طراحی شده، از اولین اقدامات در جهت احیای یک منظر اتلاف بوده است (اسپیرن، ۱۳۸۴).

«لینچ»^۵ از مفهومی تحت عنوان باستان‌شناسی پسماندها یاد می‌کند و آنها را انباشتی از اطلاعات می‌داند. وی پسماند را به معنای گسترده آن که هدر دادن باشد، در نظر می‌گیرد و معتقد است: «میزان مصرف، ماهیت واقعی رژیم غذایی، هدر دادن مواد غذایی و تفاوت‌هایی که بین گروه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد را می‌توان با دقت در پسماندهای آنان مشخص کرد. مردم نمی‌خواهند افراد دیگری زباله آنان را مطالعه کنند. اگر با آنچه دور می‌ریزیم بازتر عمل کنیم، ممکن است بیشتر درباره خودمان بیاموزیم» (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۰۱). همچنان که در علم پزشکی با بررسی مواد دفع شده بدن انسان به عامل بیماری پی برده می‌شود، با مطالعه دورریختنی‌های یک جامعه می‌توان به نحوه زندگی آنها پی برد. لندفیل‌ها همچون کالاهای مصرف‌شده، حاوی اطلاعاتی



تصویر
Pic2

تصویر ۲: احیای سایت دفن زباله با شاخص و نمادین کردن آن در بستر خود، دره ژوان، اسپانیا.
مأخذ: www.Architizer.com

Pic2: Revival of the Landfill by symbolizing it on its context, Juan Landfill. Source: www.Architizer.com



هنر، معماری منظر و سایت‌های دفن زباله

معماری منظر برخلاف تصور عامیانه که آن را تنها اقدامی زیبا سازنده در محیط می‌شناسد، رویکردی چندبعدی و دارای اهداف فرهنگی، عملکردی و زیباشناسانه است (منصوری، ۱۳۸۳). محیط زیست طبیعی و فرهنگی، اوقات فراغت، هنرهای تجسمی، علوم انسانی، دانش‌های فنی مربوط به شناخت طبیعت، گونه‌های گیاهی، تأسیسات زیرساختی و بسیاری زمینه‌های دیگر در فرایندی هدف‌دار به کمک گرفته می‌شوند تا تئوری‌های معماری منظر حاصل آید. اگر معماری منظر روندی فرض شود که با مقولات ذهنی و معنایی معمار آغاز می‌شود و در نهایت به مقولات عینی و صوری می‌انجامد و مخاطب از آن بازخوردی معنایی و ذهنی خواهد داشت، نادیده گرفتن ارزش هر مکان و طراحی براساس قوانین ثابت کار، با ارزش نخواهد بود. ساماندهی مکان بد با رویکرد صرف زیبایی به عنوان یک رویکرد منظرین مورد قبول نیست (حجتی و شیرازی، ۱۳۹۰). بهیافت سایت‌های دفن زباله با نگاه صرف کالبدی و کاهش مخاطرات زیست محیطی ممکن نخواهد بود. نقش معماری منظر به واسطه ارتباطی که با هنر برقرار می‌کند و تأثیری که در احساسات انسان دارد و همچنین توجهی که به ویژگی‌های طراحی‌ها دارد که جنبه‌های مفهومی را شاخص کرده و ذهن مخاطبان را درگیر می‌کند، بسیار مهم است. در ادامه هنر زمینی و الگوی مناظر بهیافتی به عنوان راهکارهایی هنری برای احیای جنبه ذهنی این سایت‌ها معرفی می‌شوند.

هنر زمینی سار^۱

هنر زمینی تکنیک مناسبی برای نمادین ساختن لندفیل‌هاست، چراکه این هنر در دهه‌های بروز خود، آگاهی مردم را نسبت به مسایل زیست محیطی افزایش داد. «اسمیتسون»^۲ یکی از فعالان هنر زمینی با تلاش در احیای چشم‌اندازهای صنعتی متروک، توجه مخاطبین را به ابعاد فضایی، تاریخی، زمین‌شناسی و فرهنگی آن جلب کرد. به گفته او در سرتاسر آمریکا معدن‌های متروک، دریاچه‌ها و رودهای آلوده بسیاری وجود دارد که یک راه عملی برای بهره‌برداری از این اماکن مخروبه، بهره‌گیری از هنر زمینی است. هنر می‌تواند به عنوان واسطه بوم‌شناس و صنعت‌گر عمل کند و دیالکتیک لازم بین این دو را فراهم کند. هنرمند باید تمام مسایل واقعی فراروی اکولوژیست و

و حاکی از موقتی بودن ابدی همه چیز خواهد بود؛ یکی تلف کردن کوتاه مدت اشیاء و دیگری تلف کردن بلندمدت مکان (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۳۷). اینکه مناظر همچون کالاهای مصرفی، امروزه به دور انداخته می‌شوند، نشان می‌دهد فضا و کالا با وجود تفاوت‌های غیر قابل انکار، در این نکته که قابلیت رها شدن و به دور انداخته شدن را دارند مشترک‌اند. بنابراین برای رساندن مناظر اتلاف به کارکردی با ارزش‌تر از کارکرد پیشین خود، کلمه «بهیافت» که پیش از این برای کالاهای مصرفی استفاده داشت، مناسب به نظر می‌رسد.

معماری منظر و سایت‌های دفن زباله

طی فرایندی سازگار، رابطه منظر و محیط زیست از سطح بیولوژیک و مادی به مرتبه انسانی و معنوی صعود کرده و رشد و توسعه مبانی نظری معماری منظر در تعامل با محیط زیست صحت و قطعیت بیشتری پیدا کرده است (منصوری، ۱۳۸۳). این تعامل بیش از هر چیز در فرایند احیای لندفیل‌ها مشاهده می‌شود. چنانچه در طراحی پارک المپیک لندن^۳، رویکرد پروژه که بر خاک پسا صنعتی بسیار آلوده شامل فضولات سبز و نخاله‌های ساختمانی ساخته شده، براساس کاشت اکولوژیکی پایدار، استفاده از گیاهان بومی و غیر بومی بوده است (ایچ موف و دونت، ۱۳۹۰)؛ (تصویر ۱). این نگاه اکولوژیک صرف با تأکید بر مسئله کاشت، اگرچه محیط زیست را در محوریت طراحی قرار داده، اما به نظر می‌رسد به بستر طراحی و پیشینه سایت بی‌توجه بوده است. از طرفی تحقق بخشیدن به اهداف زیست محیطی در چنین سایت‌هایی، علاوه بر اقدامات درمانی نظیر گیاه‌پالایی و گندزدایی و تولید انرژی و آب مصرفی، نیازمند به اقدامات پیش‌گیرانه نیز هستند که آموزش‌های مربوط به محیط زیست به افراد از این جمله است. در پروژه بهیافت سایت دفن زباله «هیریا» پیتز لاتز^۴ طراح پروژه به این نکته توجه کرده و علاوه بر ایجاد مرکز تحقیقات تکنولوژی، برای فعالیت‌های آموزش زیست محیطی تمهیداتی اندیشیده است. همان‌گونه که رویکرد معماری منظر در سایت‌های پسا صنعتی، تغییر سایت‌های صنعتی اولیه به کاربری‌های فرهنگی و زیست محیطی جدید یا برگرداندن آنها به مبدأ اولیه و طبیعی‌شان است، رویکرد معماری منظر در تجربیات جهانی احیای سایت‌های دفن زباله، تبدیل آن به کاربری‌های فرهنگی و زیست محیطی جدید است.

آنچه احیای سایت‌های دفن زباله را از سایر مناظر متفاوت می‌کند، پیشینه نامطلوب آنهاست. معماری منظر با تأکید بر این ویژگی و به واسطه رابطه‌ای که با هنر دارد، مفاهیم و راهکارهایی را در احیای این سایت‌ها به کار می‌گیرد که ضمن تبدیل آنها به مناظری مطلوب، گذشته این سایت‌ها را یادآوری و مخاطبین را در مورد آینده محیط زیست آگاه می‌کند.

در حالی که در هنرهایی که جوهر آنان بر تعقل و ادراک کلیات و کشف روابط میان پدیده‌ها برقرار است، مخاطب پس از مواجهه با اثر ملزم به کنکاش‌های ذهنی و به کارگیری دانش‌های قبلی خود است تا به ادراکی از آن دست پیدا کند (منصوری، ۱۳۸۳). تعمیر و استفاده مجدد از دورریختنی‌ها، ایده‌آل‌ترین برخورد با آنهاست. از نظر زیست‌محیطی این عمل باعث می‌شود علاوه بر تمدید عمر ماده، نیاز به کالای جایگزین نیز مرتفع شود. در فرایند بهیافت، زندگی جدید شیء زمانی شروع می‌شود که زندگی قبلی آن کاملاً به پایان رسیده است. یعنی از شیء در جایی سودمندتر و به غیر از عملکرد قبلی آن استفاده شود (امینی، ۱۳۹۲). نمونه چنین استفاده‌ای در پروژه «طلوع ماه ۱۳» دیده می‌شود که ۲۳۰۰ بطری پلاستیکی روشن شده با ال‌ای‌دی به مدول‌های مثلثی پیش‌ساخته‌ای متصل شده‌اند و یک پاولیون را شکل داده‌اند (تصویر ۳). در این پروژه از قابلیت ایجاد بافت بطری‌های پلاستیکی در کنار هم استفاده شده است. این نحوه استفاده از دورریختنی‌ها نشان می‌دهد پدیده بهیافت علاوه بر مواد اولیه دورریختنی، نیازمند اتفاق دیگریست و آن جوهره هنر است (همان). منظر به عنوان هنری که مخاطب را در مواجهه با خویش به تفکر وامی‌دارد، با بهره‌گیری از این ایده در طراحی می‌تواند مخاطب را به طور خاص در مورد مسایل زیست‌محیطی آگاه کند که هدفی ارزشمند در احیای لندفیل‌ها خواهد بود.

صنعتگر را بپذیرد و در آن دخالت کند (سیروس صبری، ۱۳۹۱: ۱۳۸). «رابرت موریس»^{۱۱} مهم‌ترین تأثیر هنر زمینی در بهیافت محوطه معادن را این نکته می‌داند که که هنر می‌تواند و باید گناه تکنولوژی را پاک کند. هنرمندانی یافت می‌شوند که این وضعیت اسف‌بار را به شرایط الهام‌بخش تبدیل کنند (همان: ۷۷). در دره ژوان اسپانیا^{۱۲} این نگاه منظرین و فرایندی که طی آن ضمن نمادین شدن بستر توجه به ویژگی‌های پیشین و تأکید بر جنبه ذهنی منظر و دریافت مخاطب از فضا، مشاهده می‌شود (تصویر ۲). این دره که متشکل از زباله‌های شهری تا ارتفاع ۱۰۰ متر است، طوری طراحی شده که سایت را در بستر خود شاخص می‌کند. با اینکه در این پروژه، طراح برای بیان گذشته سایت، زباله‌ها را به صورت نمادین و محدود نمایش داده است، اما این اقدامات صرفاً تزئینی و پوششی، برای چنین سایت‌هایی ناکافی تلقی می‌شود (تصویر ۳).

منظر بهیافتی، تعامل معماری منظر و هنرهای تجسمی معماری منظر، بیش از همه هنرها با قواعد هنرهای تجسمی سروکار دارد. این گروه از هنرها به دلیل بهره‌گیری از ماده در خلق آثار خود امکان ارتباط مستقیم بیننده با اثر را فراهم می‌کنند. نحوه ادراک این آثار براساس مواجهه با اثر و تأثیر بر حواس انسان است. چنانچه یکی از اهداف هنر محظوظ کردن مخاطب و ارضای تمایلات زیباپسند او باشد، این عمل در مورد هنرهای تجسمی از طریق ارتباط با احساسات انسان به دست می‌آید.



تصویر ۳: احیای دره دفن زباله ژوان، رویکردی پوششی با الهام از زمین‌های کشاورزی اطراف را دنبال کرده است. دره ژوان، اسپانیا. مأخذ: www.Architizer.com

Pic3: The revival of Juan Landfill has followed a covering approach inspired by the surrounding agricultural lands. Source: www.Architizer.com



تصویر ۴: ۲۳۰۰ بطری پلاستیکی روشن شده با ال ای دی، قابلیت ایجاد بافت بطری های پلاستیکی در کنار هم و مفهوم بهیافت را به خوبی نشان می دهد. پروژه «طلوع ماه»، هنگ کنگ، مأخذ: www.nowtravelasia.com

Pic2,300: 4 plastic bottles in an undulating pattern and lighted with LED lights demonstrates the potential of bottles to create the texture and the concept of "upcycling". Source: www.nowtravelasia.com

با توجه به این موارد، بهیافت منظر به فرایندی اطلاق می شود که در آن، علاوه بر تلاش برای بهبود مخاطرات زیست محیطی ناشی از این سایت ها، ویژگی های پیشین سایت در نظر گرفته می شود. همچنین با تکیه بر تکنیک های طراحی در بزرگ مقیاس، به شاخص کردن سایت در زمین پیرامون خود می پردازد و در جزئیات طراحی با الگوی مناظر بهیافتی اقداماتی صورت می گیرد که با ویژگی های سایت و پیشینه آن نسبت مستقیم و با اهداف متصور، برای احیای این سایت ها، هماهنگی دارد. این گونه تلاش های ضروری برای طراحی سایت های دفن زباله از دریچه معماری منظر که هر دو نگاه کل گرا و جزء نگرا دنبال می کند، در مقیاس کلان با شاخص کردن سایت در بستر خود ویژگی های گذشته زندگی بشری و در مقیاس خرد و طراحی جزئیات، آینده سرگذشت بشر در کره خاکی را یادآوری خواهد کرد. بهیافت منظر نهایتاً به رویدادی منجر خواهد شد که مخاطب را در رویارویی با آن به تعمق و ادراک زیست محیطی و حس تعلق مخاطب به محیط زیست و احساس مسئولیت در قبال آن را ارتقا خواهد داد.

نتیجه گیری | با در نظر گرفتن اینکه سایت های دفن زباله به دلیل ساختار زبانی منحصر به فرد خود نیاز به رویکردی ویژه برای طراحی و احیا دارند، «بهیافت منظر» به عنوان الگویی مستخرج از معماری منظر، که به بازگرداندن این سایت ها به چرخه ای سازنده، نگاهی همه جانبه دارد، روشی مناسب برای احیای آنهاست که با ویژگی های زیر معرفی می شود:

- تلاش برای کاهش مخاطرات زیست محیطی ناشی از دفن دورریزها؛
- شاخص کردن سایت در بستر پیرامونی به عنوان نشانی از امروز برای آیندگان؛
- استفاده از مصالح و مواد دورریختنی در طراحی جزئیات و به عنوان بازخوردی از ماهیت سایت؛
- ارتقای کارکرد سایت با دخیل کردن فعالیت های زیست محیطی؛
- امکان سنجی و تلاش برای استفاده از ظرفیت ها و ویژگی های مکانی سایت برای تولید انرژی.

پی نوشت

۱۷. Vall en de Juan . Rising Moon : ایده «طلوع ماه» به صورت پاولیبون را داده که بطری ها داخل را هم به همان خوبی استخر آب بازتاب دهنده محوطه روشن می کند. حالت این مجسمه شناور شکست نور ماه درحال تغییر فاز در سطح آب را نشان می دهد. در تلاش برای ساختار شکنی؛ یک فضای معاصر کاملاً بهیافتی ارایه می دهد که هنگ کنگ را به عنوان یک شهر پایدار معرفی می کند.

* این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد «نقیسه سیده» با عنوان «طراحی منظر تپه های حاصل از نخاله های عمرانی-ساختمانی شمال شرق تهران» است که به راهنمایی «دکتر سید امیر منصوری» در دانشگاه تهران انجام شده است.

۱. Upcycle
۲. سایت دفن زباله
۳. WasteLand

۴. Anne Whiston Spirin
۵. Kevin A. Lynch
۶. Reiner Pilz
۷. London Olympic Park
۸. Peter Latz
۹. Land Art
۱۰. Robert Smithson
۱۱. Robert Morris

فهرست منابع

- اسپیرین، آن ویستون. (۱۳۸۴). *زبان منظر*. ترجمه: حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- امینی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *بهیافت در معماری داخلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری داخلی. تهران: دانشگاه تهران.
- ایچ موف، جمیز و دونت، نایجل. (۱۳۹۱). طرح کاشت اکولوژیک در پارک المپیک ۲۰۱۲ لندن. *مجله منظر*، ۴ (۱۸): ۱۹-۱۴.
- جنتی، ریحانه و شیرازی، زهره. (۱۳۹۰). طراحی منظر ساختارگرا. *مجله منظر*، ۳ (۱۶): ۴۵-۴۲.
- سیروس صبری، رضا. (۱۳۹۱). *هنر محیطی*. تهران: نشر پیکره.
- فرهمند، عرفان. (۱۳۹۰). *منظر پسا صنعتی عرصه نوین معماری منظر*. *مجله منظر*، ۳ (۱۶): ۲۵-۲۲.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۷). *اتلاف*. تدوین: مایکل سوئورث. ترجمه: حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۳). *درآمدی بر معماری منظر*. فصلنامه باغ نظر، (۲): ۷۸-۶۹.

Upcycle

A New Approach to Revive the Landfills

The Landscape*

Seyed Amir Mansouri, Ph.D in Urban Studies with Landscape Proficiency, Assistant Professor, University of Tehran, Iran.
Seyedamir.mansouri@gmail.com

Nafiseh Seyedeh, M.A in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran.
nafise_seyede@ut.ac.ir

Abstract | Industrial age has its own culture of consumerism which ends with the completion of human life on earth. The modern human constantly consumes goods and spaces and throws them away which makes them faces undesirable consequences including landfill sites. The result of this confrontation is the man's effort to revive such obsolete sites that are parts of the cities. The common solution to hide the waste disposal sites without restoring them is not acceptable. Reclamation of these sites, dealing with them and providing solutions to reduce the environmental and visual pollution imposed on cities has been noticed extremely in recent decades. Studying the concept of "upcycling" as a new concept in the foeld of of consumerism and environment both identifies the characteristics of landfill sites and scrutinizes landscape architecture's approach to deal with this phenomenon and introduces a model which is appropriate to the nature and its context. The concept of upcycle, which means the process of converting waste materials or useless products into new materials or products of better quality for better environmental value, considers the art as a factor which increases the quality of wasted goods and spaces. Landscape architecture as a discipline and by its relation with different kinds of arts has a new approach to revive such sites. The Land art and the art of upcycle are introduced to revive Landfills in both small-scale and large-scale. The results of this research indicate that revival of these sites with landscape approach considers the environmental aspects and also emphasizes on mental aspects and highlights the conceptual features that informs the audience about environmental crisis by using the art techniques, and finally introduce stable, safe, economical and practical solutions.

Keywords | Upcycle, Landfill, Landscape, Wasteland, Art.

Endnote

*.This article has been taken from the M.A dissertation of Nafiseh Seyedeh. It is presented in University of Tehran under the supervision of Dr. Seyed Amir Mansouri.

Reference list

- Amini, M. (2014). *Behayft dar Memari-ye-Dakheli* [Upcycle in Interior Design]. Master dissertation. Tehran: University of Tehran.
- Berger, M. (2006). *Dorosscape: wasting Land in Urban America*. New York: Princeton architectural press.
- Farahmand, E. (2011). Postindustrial Landscape, a New Field of Landscape Architecture. *Journal of MANZAR*. 3(16): 22-25.
- Hitchmough, J. & Dunnett, N. (2012). Ecologically Based Planting Design at the 2012 London Olympics. *Journal of MANZAR*, 4(18): 14-19.
- Hojjati, R & Shirazi, Z. (2011). Structuralist Landscape Design. *Journal of MANZAR*. 3(16): 42-45.
- Kay, T. (1994). "Salvo in Germany - Reiner Pilz". Available from: <http://www.salvoweb.com/files/salvonews/sn99v3.pdf> (accessed 23 February 2014).
- Lynch, K, A. (2008). *Wasting Away*. Translated from the English by Bahraini, H. Tehran: Tehran University Publications.
- Siroos Sabri, R. (2012). *Honar-e Mohiti* [Environmental Art]. Tehran: Peykare Publications.
- Spirn, A. W. (2005). *The Language of Landscape*. Translated from the English by Bahraini, S, H. & Aminzadeh, B. Tehran: Tehran University Publications.

